

بررسی چگونگی ارتقای کمی و کیفی دسترسی به آموزش عالی در ایران

مقصود فراستخواه^۱

چکیده:

دسترسی به ادگیری در سطح عالی، بخشی از حقوق شهروندان برای دانستن به ویژه در اقتصاد دانش و جامعه یادگیرنده است. نشانگرهای کمی و کیفی دسترسی به آموزش عالی از شکاف عمیق بین وضع موجود کشور ما با جوامع توسعه یافته موفق از حیث روند توسعه حکایت می‌کند. این در حالی است که جهت‌گیری برنامه چهارم به افزایش نرخ نام‌نویسی ناخالص در آموزش عالی، از یک سو مستلزم چالش‌ها و ریاضت سختی برای تأمین منابع و ظرفیت‌سازی جدید و از سوی دیگر در پایداری هدف‌گیری و فعالیت‌های بلند کیفی است تا رشد کمی به نتایج معکوس منجر نشود. در همین راستا، ضرورهایی همچون تنوع منابع مالی، توسعه زیرساخت‌های لازم برای یادگیری از راه دور و الکترونیکی، توسعه کیفیت نظام سنجش و پذیرش، کیفیت منابع انسانی و هیأت علمی، نهادینه شدن ارزشیابی و اعتبارسنجی، رقابتی شدن آموزش عالی، تعامل سه جانبه دانشگاه، بنگاه و دولت و ضرورت‌های دیگری از این قبیل به میان می‌آید.

واژگان کلیدی: کالای آموزش عالی، شاخصهای دسترسی، آزمون فاصله، کیفیت دسترسی، کیفیت دسترسی، خط‌مشی‌ها.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱استادیار مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

مقدمه و بیان مسأله

«دانایی» چه به عنوان یکی از حقوق بشر،^۱ چه به عنوان یکی از چالش‌های خودشکوفایی فردی و انسانی و چه به عنوان پیش‌شرط اساسی برای توسعه، یکی از چالش‌های تعیین‌کننده در مسیر جاری و آتی کشورهای در حال توسعه در جهان معاصر است. مشروعیت دولتهای ملی، منوط به پاسخ‌گویی آنها به «حقوق دانستن شهروندان» و نیز تسهیلگری آنها نسبت به «توسعه دانش بنیاد» است و تنها از این طریق است که امکان بهره‌وری در سرمایه‌های انسانی، ایجاد ارزش افزوده ملی با استفاده از دانش و برآمدن از رقابت‌های رو به ازدیاد جهانی نیز میسر می‌شود.

در این راستا، امروزه، آموزش عالی نخبه‌گرا^۲ به آموزش عالی فراگیر^۳ تحول یافته است و توسعه «جامعه یادگیرنده»^۴ به گسترش کمی و ارتقای کیفی توأم آن «دسترسی به یادگیری در سطح عالی»^۵ موقول شده است. به ویژه که تحولات ساختاری مربوط به زندگی، مبتنی بر دانش و ظهور اقتصاد دانش در مسیری پیش رو^۶ که فناوری اطلاعات و سیستم‌های نوآوری و ایجاد جریان مؤثر دانایی میان افراد، شرکت‌ها، سازمان‌ها و کشورها به عنوان نیاز پایه و اساسی، روز به روز هرچه بیشتر به کمک و کیف دسترسی شهروندان به یادگیری در سطح عالی موقول می‌شود.

نشانه‌های کمی دسترسی به آموزش عالی در ایران از شکاف موجود میان این جامعه با محیط پیشرو جهانی حکایت می‌کند. به ویژه که مطابق برآوردهای انجام گرفته جمعیتهای گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال در که در سال ۱۳۷۵ برابر با ۵/۲۰٪ جمعیت (۱۲/۳ میلیون نفر) بود در سال ۱۳۸۵ به ۲۵٪؛ یعنی، ۴/۱۷ میلیون نفر افزایش خواهد یافت (طایی ۱۳۸۰)؛ همچنین گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ سال در سال ۱۳۸۰ برابر با ۳۳٪ جمعیت بود که در سال ۱۳۷۸ به ۴/۳۴٪ بالغ خواهد شد. هرچند که بعد از آن سیر کاهش خواهد داشت بازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۸۲) تعداد داوطلبان بالفعل آموزش عالی در سال ۱۳۸۸ معادل ۸/۲۵۱/۰۰۰ نفر برآورد شده است (قارون ۱۳۸۰) این هوالی است که جمعیت بالقوه متقاضی آموزش عالی در سال ۱۳۹۰، معادل ۱۱ میلیون نفر خواهد بود (طایی و وحیدی، ۱۳۸۱) گذشته از ابعاد

- 1- Right to Know
- 2- Elit H. E
- 3- Mass H.E
- 4_ Mass H.E Learning Society
- 5_ Access to Higher Learning

کمی‌وقتی نوبت به نشانگرهای کیفی دسترسی به آموزش عالی می‌رسد، فاصله ایران با استانداردهای جهانی به مراتب بیشتر و نگران‌کننده‌تر، خود را آشکار می‌سازد.

بنابر این وضع کمی و کیفی دسترسی به آموزش عالی در ایران در سطح ملی، ابعاد «مسأله‌شناختی»^۱ به خود گرفته است. توسعه همه‌جانبه اقتصادی اجتماعی فرهنگی و سیاسی کشور با توسعه علمی فن آوری گره خورده‌اند و این، مستلزم توسعه آموزشی و از جمله گسترش کمی و ارتقای کیفی آموزش عالی است. در چشم‌انداز بلند مدتی که در آستانه تدوین برنامه چهارم توسعه برای سال‌های آینده کشور تهیه شده است، یکی از محورهای اساسی چشم‌انداز، «توسعه مبتنی بر دانایی» تعیین شده است که به نوبه خود مستلزم آموزش مادام‌العمر و در دسترس همگان، فرصت‌های برابر آموزشی (آموزش برای همه) تعمیق کیفیت آموزش‌های پایه و توسعه سرمایه انسانی با افزایش پوشش آموزش عالی و ایجاد مهارت‌های پایه و قابلیت‌های کانونی و یادگیری چگونه آموختن^۲ است. با زمان مدیریت و برنامه‌ریزی، (۱۳۸۲)

بدین ترتیب دسترسی به آموزش عالی هم در سطح کمی و هم به ویژه در سطح کیفی، مسئله‌ای است که به یک مسئله ملی تبدیل شده است که حل آن، مستلزم رویکردی علمی و پژوهشی به منظور تولید و توسعه راهبردها و خط‌مشی و فعالیت‌های مورد نیاز در این راستاست.

۲. روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش در سطح نظری و مفهوم‌شناسی (تحلیل ابعاد مفهومی) از روش مطالعه کتابخانه‌ای و برای تعیین نشانگرهای کمی و کیفی دسترسی از روش مطالعه اسنادی^۳ ساختن پرسش‌نامه برای نظرسنجی از خبرگان و متخصصان موضوع استفاده شده است. برای شناخت وضع موجود دسترسی به آموزش عالی، روش بررسی اسناد و مدارک و گزارش‌های آماری و الگوهای توصیفی^۴ به کار رفته است. ترسیم وضع مطلوب نیز با استفاده از نظریات و استانداردهای به دست آمده از روش‌های یادشده در سطور قبل به علاوه روش تطبیقی^۵ و مقایسه‌ای وضعی^۶ در ایران با چندین کشور جهان و انجام مطالعه به محک زنده صورت گرفته

- 1_ Problematic
- 2_ Learning How to Learn
- 3_ Documentary Study
- 4_ Descriptive
- 4_ Comparative Method
- 6_ Benchmarking

است. از روش تفسیر انتقادی^۱، تحلیل محتوا و تحلیل ثانوی اطلاعات برای تحلیل وضعیت دسترسی به آموزش عالی در ایران استفاده و در پایان خط‌مشی‌های لازم برای کاهش فاصله وضع موجود با وضع مطلوب به عنوان نتایج پژوهش و تحلیل، پیشنهاد شده است.

۳. پیشینه نظری

مفهوم دسترسی به آموزش عالی در مباحث نظری با روش «تحلیل دو وجهی»^۴ توسعه داده شده است. تحلیل دو وجهی مبتنی بر پرسش‌هایی از این قبیل است که آیا آموزش عالی، سرمایه است یا هزینه؟ حق است یا امتیاز؟ موقوف به انتشار طبیعی است یا عدالت باز توزیعی؟ در مرحله نخبه‌گراست یا همگانی؟ کالایی عمومی است یا خصوصی؟ از نوع تقاضاست یا نیاز؟ بومینای مفروضات نظری اتخاذ شده ما، آموزش عالی، قابل تقلیل به سطح هزینه نیست و ابعاد سرمایه‌ای دارد مطابق نظریه سرمایه‌انسانی (از دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی)، آموزش عالی در تابع تولید و GNP سهم دارد (راجرز و راجلین، ۱۳۷۰) قابل‌ت‌های تولیدی انسان را بهبود و ارتقا می‌بخشد (فریدمن، ۱۳۶۸). قدومسلا، این است که آموزش عالی به شرط وجود عوامل دیگر در رشد اقتصادی و توسعه، نقش دارد (بلاگ، ۱۹۸۵ هیکس، ۱۳۸۰)؛ علاوه بر این، دسترسی به آموزش عالی، ظرفیت‌های کسب مطلوبیت را افزایش می‌دهد و منافع غیر بازاری فراوانی دارد (مک ماهون، ۱۳۸۰) نظریه دیگری کهپس از نظریه سرمایه‌انسانی در دهه ۹۰ به میان آمد، نظریه «سرنده» بود که بر اساس روایت و نسخه تعدیل‌شده آن، آموزش عالی به ملاکی برای انتخاب نیروی کار از سوی بنگاه تبدیل گشته است. (عمادزاده، ۱۳۸۱) و سرانجام بر اساس نظریه‌های موجود جامعه اطلاعاتی و یادگیرنده، آموزش عالی نقش پایه‌ای در اقتصاد دانش پیدا کرده است. (لاروج و همکاران، ۱۹۹۹؛ اوای، سی، دی، ۱۹۹۶)

بنا بر رویکرد امانیستی و حقوق بشر، دسترسی به آموزش عالی نه یک امتیاز بلکه حق شهروندی است که شهروندان از طریق، حق دانستن و یادگیری خود را توسعه می‌بخشند و در اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون‌ها به آن تصریح شده است (جانسون، ۱۳۷۸ انجل، ۱۹۹۵) این حق در محط اطلاعات و اقتصاد دانایی، اهمیت بیشتر و حیاتی‌تر پیدا کرده است (براون، ۲۰۰۲ و هایتون و پاکزوسکا، ۲۰۰۲)

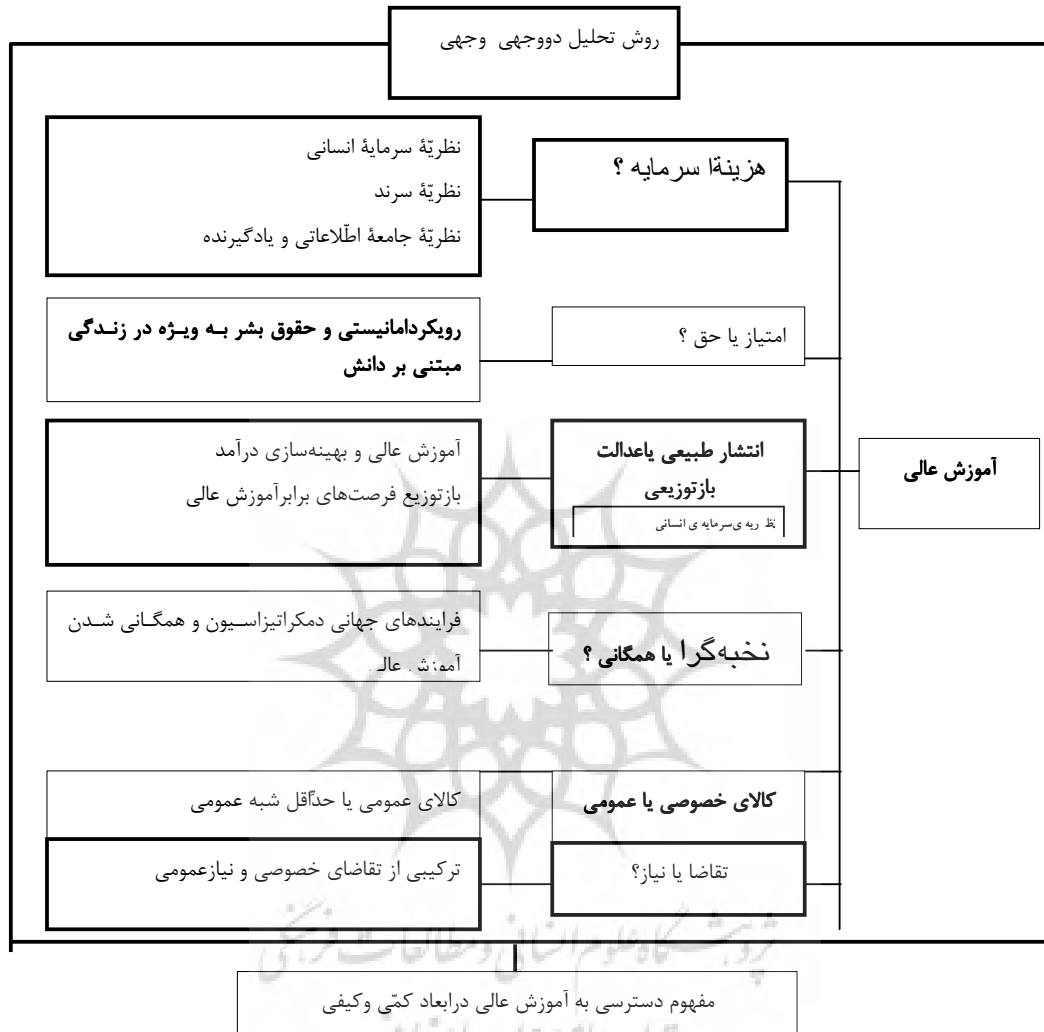
- 1_ Critical Interpretation
- 2_ Content analysis
- 3_ Meta _ Analysis
- 4_ Binary analysis Method
- 5_ Screening

از سوی دیگر دسترسی به آموزش عالی را نمی‌توان به انتشار طبیعی^۱ موکول کرد؛ زیرا آموزش عالی حدّ اقل تحت شرایطی می‌تواند در بهینه‌سازی توزیع درآمد نقش داشته باشد و خدمت‌های توزیعی^۲ برای تأمین فرصت‌های برابر آموزش عالی (عدالت آموزش عالی) ضرورت پیدا می‌کنند (راجرز و راجلین، ۱۳۷۰ و آکلی، ۱۹۹۸) اساساً در طی چند دهه گذشته، دوره نخبه‌پرور آموزش عالی به سرآمده و فرایند همگانی شدن آموزش عالی در حال گسترش است. (اسکات، ۱۹۹۵ و اسکوتز و اسلوی، ۲۰۰۰) و سرانجام آموزش عالی در حال حاضر به کالایی عمومی^۳ تبدیل شده است (جیمز، ۱۳۸۰ و می، ۲۰۰۲) به عبارت دیگر دسترسی به آموزش عالی، ترکیبی از تقاضای خصوصی و نیاز عمومی را تأمین می‌کند (کریدی، ۱۹۹۴) [نمودار ۱]



- 1_ Natural diffusion
- 2_ Redistributive
- 3_ Quasi – Public Good

چارچوب نظری دسترسی به آموزش عالی



۴. گردآوری و تحلیل داده‌ها

برای توسعه «نشانگرهای دسترسی به آموزش عالی»، ابعاد مفهومی آن بر اساس رویکرد سیستمی^۱ و به صورت سازه عملیاتی^۲ مورد تحلیل قرار گرفته است بدین صورت که در یک تحلیل سیستمی، عوامل دسترسی به آموزش عالی درون‌دادها، فرایندها، برون‌دادها و پیامدها از هم متمایز می‌شود و بر مبنای تعاریف هر یک از آن‌ها نشانگرهایی معین می‌گردند و بدین ترتیب مجموعه شاخص‌های دسترسی به آموزش عالی به دست می‌آید، بدین قرار:

۱. عوامل سیستم

(دسترسی چه کسانی؟ چه تعداد و گروه‌هایی؟)

نمونه نشانگرها:

۱. ۱. تعداد دانشجوی در هر ده هزار نفر جمعیت کشور
۲. ۱. نرخ ثبت نام ناخالص در آموزش عالی (تقسیم کل تعداد دانشجویان به تعداد جمعیت در گروه سنی ۱۸ تا ۲۴ ساله)
۳. ۱. دسترسی گروه‌های سنی بالاتر از ۲۴ سال و بزرگسالان به آموزش عالی (سنین غیبتی و یادگیری در تمام عمر)
۴. ۱. دسترسی ساکنان در سرزمین
۵. ۱. دسترسی زنان به آموزش عالی
۶. ۱. دسترسی اتباع سایر کشورها به آموزش عالی

□ و نشانگرهای دیگری همچون:

- ✓ نرخ پذیرش از داوطلبان
- ✓ نرخ دسترسی روستاییان
- ✓ دسترسی گروه‌های کم‌درآمد
- ✓ دسترسی معلولان عضو
- ✓ دسترسی اقوام اقلیت‌ها
- ✓ دسترسی شاغلان

1_ System approach

2_ Operational Construct

۲. درونداهای سیستم

(دسترسی با چه منابع، امکانات، زمینه‌های و به چه چیزهایی)

نمونه نشانگرها

- ۱.۲ نسبت دانشجو به کادر آموزشی
- ۲.۲ سهم هزینه جاری آموزشی از GNP و سهم آموزش عالی از کل هزینه آموزشی
- ۳.۲ تعداد منابع اعتباری آموزش عالی
- ۴.۲ مشارکت بخش غیر دولتی و خصوصی در آموزش عالی
- ۵.۲ تعداد و نوع سازمانهای آموزش عالی
- ۶.۲ تعداد برنامه‌ها در گروه‌های عمده رشته تحصیلی
- ۷.۲ تعداد برنامه‌ها به لحاظ اوقات فراگیری (دوره‌های شبانه و...)
- ۸.۲ کم و کیف آموزش عالی غیرحضوری و نیمه حضوری و فراگیر
- ۹.۲ دسترسی به آموزش عالی بین المللی
- ۱۰.۲ فضای کالبدی آموزش عالی
- ۱۱.۲ فراوانی دوره‌های علمی کاربردی و پودمانی
- ۱۲.۲ فراوانی دوره‌های تحصیلات تکمیلی

و سایر نشانگرها همچون

- ✓ درآمد خانوار،
- ✓ تحصیلات پدر و مادر،
- ✓ طبقه و تبار اجتماعی،
- ✓ کیفیت مدرسه،
- ✓ اطلاعات خانواده‌ها و متقاضیان نسبت به برنامه‌های آموزش عالی،
- ✓ سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی،
- ✓ ساختار بنگاه برای دسترسی شاغلان به آموزش عالی،
- ✓ محیط حقوقی و مقررات مربوط به انتقال جا به جایی، مرخصی، تغییر رشته
- ✓ هزینه سرانه آموزش عالی دولتی
- ✓ میانگین پهنای باند دسترسی برای مؤسسات آموزش عالی و برای دانشجویان
- ✓ کم و کیف آموزش عالی آزاد

۳ فرایندهای سیستم

(دسترسی به چه صورت؟)

نمونه نشانگرها

- ۳ نسبت مرد به زنان بالاتر در هرم هیأت علمی
- ۳ سهم زنان در هیأت علمی
- ۳ نسبت دانشجو به استاد و دانشیار
- ۳ فراوانی مدعایین - قائلان تدریسی
- ۳ کیفیت نت نظام سنجش آموزش کشور (کنکور و ...)
- ۳ کیفیت نت نظام پذیرش دانشگاهی
- ۳ کیفیت نت دسترسی استعدادها درخشان به آموزش عالی

نشانگرهای دیگر همچون

- ✓ اُفت تحصیلی،
- ✓ روش تدریس و فرایندهای یاددهی یادگیری،
- ✓ الگوهای ارتباطی در دانشگاه،
- ✓ فرهنگ و ارزش‌های دانشگاهی،
- ✓ کیفیت نت حیات دانشجویی،
- ✓ دسترسی به آموزش عالی عمومی شهروندی و یادگیری کیفیت نت زندگی،
- ✓ دسترسی به یادگیری‌های مهارتی،
- ✓ بهره‌وری و استفاده بهینه از منابع در دانشگاه،
- ✓ استقلال دانشگاهی،
- ✓ آزادی علمی،
- ✓ قدرت خرید و منزلت و امنیت نت هیأت علمی،
- ✓ رسالت‌های فرهنگی و اجتماعی آموزش عالی،
- ✓ قابلیت نت انعطاف قوانین و مقررات آموزش عالی در انتخاب و گذراندن واحدها در مؤسسات مختلف، تحصیل همزمان و...
- ✓ مبتنی شدن آموزش بر پژوهش،
- ✓ تنوع قابلیت نت انعطاف و سفارشی شدن آموزش عالی،

- ✓ تناسب آموزش عالی با نیازهای اجتماعی و دنیای کار
- ✓ تعامل میان دانشگاه با بنگاه‌های تولید، صنعت و خدمات

۴. برونداها و پیامدهای سیستم

(دسترسی با چه نتایجی؟)

۴.۱. نرخ بیکاری دانش‌آموختگان و نیروی کارمختص

□ نشانگرهایی دیگر همچون

✓ اثربخشی دسترسی به آموزش عالی از حیث اشتغال مفید و کارآفرینی دانش‌آموختگان،

✓ کیفیت مشارکت فرهنگی و اجتماعی و سیاسی تربیت‌یافتگان آموزش عالی،
✓ سهم شدن دانش‌آموختگان در توسعه همه‌جانبه درونزا و اعتلای زندگی شهروندی و ارزش‌های انسانی، مانند انتقادپذیری، صلح دوستی و همزیستی و ...
✓ مجموعه شاخصهایی که بدین طریق تهیه و تعریف شد در برگرفته ۸۰ نشانگر کمی و کیفی بود که در قالب پرسش‌نامه‌ای بر مبنای طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای در اختیار تعدادی از خبرگان، متخصصان و مدیران آموزش عالی قرار گرفت تا نظریه را درباره درجه اهمیت آن نشانگرها با درج علامت در یکی از گزینه‌های طیف لیکرت، اظهار بکنند. پس از دریافت نظر پاسخ‌گویان به پرسش‌نامه‌ها (که ۷۰٪ از مجموع متخصصان و مدیران مراجعه‌شده را تشکیل می‌دادند)، با آماره‌هایی همچون میانگین و انحراف معیار، میزان وفاق یا پراکندگی نظرها درباره هر یک از نشانگرها محاسبه شد.

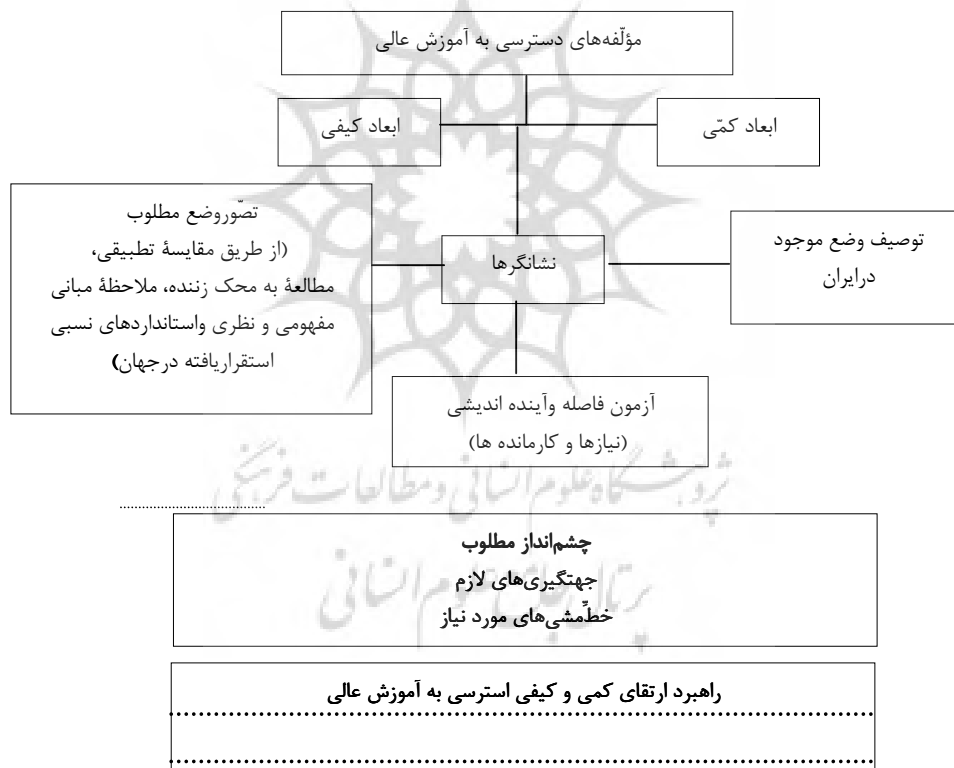
از مجموع ۸۰ نشانگر که پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه درباره آن‌ها اظهار نظر کردند، تعداد ۴۲ مورد (۵۲/۵٪) اهمیت زیاد، تعداد ۲۲ مورد (۲۷/۵٪) اهمیت متوسط و وسیله و نسبی، تعداد ۱۴ مورد (۱۷/۵٪) نه چندان مهم و تعداد ۲ مورد (۲/۵٪) اهمیت کم تشخیص داده شده‌اند. فهرست کامل مجموعه شاخصها و مشروح اطلاعات به دست‌آمده و تحلیل‌های انجام گرفته و تفصیلات آنها با قید میزان اهمیت آن‌ها از نظرمختصان برای اندازه‌گیری ابعاد کمی و کیفی دسترسی به آموزش عالی در گزارش تحقیق (فراستخواه، ۱۳۸۲) آمده است. (تصویر ۲)

بدین ترتیب و با در نظر گرفتن مؤلفه‌های دسترسی به آموزش عالی در ابعاد کمی و کیفی به نشانگرهای لازم برای اندازه‌گیری آن دست می‌یابیم و می‌توانیم با استفاده از این نشانگرها وضع

موجود دسترسی به آموزش عالی در ایران را توصیف کنیم و سپس به مقایسه تطبیقی آن با چند کشور جهان دست زنییم. این مقایسه، کمک می‌کند که وضع موجود کشور با استانداردهای نسبی استقرار یافته در جهان (در جوامع توسعه‌افتالموفق از حیث روند توسعه) سنجیده شود. این کار به علاوه آنچه از مبانی مفهومی و رویکردهای نظری پیش گفته برمیآید، مجموعاً به ما کمک می‌کند تا تصویری از وضع مطلوب دسترسی به آموزش عالی در کشور به لحاظ کمی و کیفی داشته باشیم و به «آزمون فاصله» (فاصله میان وضع موجود با مطلوب) بپردازیم و نیازها را برآورد کنیم. از این طریق، راهبرد ارتقای کمی و کیفی دسترسی به آموزش عالی شامل چشم‌انداز مطلوب، جهت‌گیری‌ها و خط‌مشی‌های مورشیاز قابل طراحی است. در تصویر ۳ مدل تحلیلی لازم برای تصمیم‌گیری در خصوص چگونگی ارتقای کمی و کیفی دسترسی به آموزش عالی نشان داده شده است.

تصویر ۳

مدل تحلیلی لازم برای تصمیم‌گیری در خصوص چگونگی ارتقای کمی و کیفی دسترسی به آموزش عالی



۵. بحث و تحلیل مقایسه‌ی وضعیت ایران با چند کشور جهان
 ۱. دسترسی چه کسانی؟ چه تعداد و گروه‌هایی (عوامل سیستم)

۱.۱. تعداد دانشجوی به هر ده هزار نفر جمعیت

به استناد گزارش ۲۰۰۱ یونسکو وضع ایران در سال ۱۹۹۵ با ۳۱ کشور نمونه در امریکای شمالی، اروپای مرکزی، آسیا و اقیانوسیه، اروپای مرکزی و کشورهای شوروی سابق، امریکای لاتین و کارائیب، افریقا و خاورمیانه مقایسه شده است (یونسکو، ۲۰۰۱):

متوسط ۳۱ کشور نمونه	اسرائیل	ژاپن	بلغارستان	اکراین	روسیه	کره	ژاپن	استرالیا	انگلستان	فرانسه	ترکی	فلاد	ایالات متحده	کانادا
۳۲۴	۳۴۱	۳۲۷	۲۹۴	۲۹۸	۳۰۰	۴۹۵	۳۱۲	۵۴۰	۳۱۳	۳۶۰	۴۱۶	۴۱۹	۵۳۴	۶۱۳

ایران: ۱۵۳ | این شاخص در سال ۱۳۸۰ به ۲۴۴ نفر رسیده است (گروه پژوهش‌های آماری و انفورماتیک، ۱۳۸۱)

۲-۱. نرخ ثبت نام ناخالص در آموزش عالی (همان منابع)

متوسط ۳۱ کشور نمونه	اسرائیل	شیلی	بلغارستان	اکراین	روسیه	کره	ژاپن	استرالیا	انگلستان	فرانسه	هند	فلاد	ایالات متحده	کانادا
۴۵/۵٪	۴۱٪	۳۰٪	۴۱٪	۴۱٪	۴۳٪	۶۸٪	۴۱٪	۸۰٪	۵۲٪	۵۱٪	۶۲٪	۷۴٪	۸۱٪	۸۸٪

ایران: ۱۸٪ | این شاخص برعکس شاخص ۱-۱ در سال ۱۳۸۰ به ۱۴/۹٪ کاهش یافته است

۱- دسترسی گروه سنی غیرسنّی^۱

عنوان	کشورهایی مانند ایالات متحده، کانادا و انگلستان	ایران
فراوانی دانشجویان در گروه سنی بالاتر از ۲۴ و حتی بالاتر از ۲۹ سال	۲۵٪ تا ۴۵٪	—
فراوانی دانشجویان پاره وقت	۴۰٪ تا ۶۰٪	—
فراوانی دانشجویان دوره های شبانه	—	۵٪ تا ۶٪

۱-بماخذ: فراستخواه ۱۳۸۲.

۴-۱. دسترسی ساکنان در سرزمین^۱

وقتی فراوانی پذیرش در هر استان نسبت به کل کشور و نیز فراوانی تعداد دانشجویان در هر استان نسبت به کل کشور را مبنا قرار بدهیم و میانگین این دو را بر درصد جمعیتی آن استان در کل کشور، تقسیم کنیم ضریب دسترسی به آموزش عالی در آن استان به دست می آید. این ضریب هر چه پایین تر از ۱ باشد نشان دهنده ی دسترسی کمتر به آموزش عالی در استان نسبت به سهم جمعیتی آن استان است.

اصفهان	تهران	آذربایجان غربی	خراسان	زنجان	قزوین	کردستان	مازندران	گیلان	اردبیل	سمنان	قزوین	استان
۱/۲۲	۱/۰۷	۰/۷۸	۰/۷۶	۰/۷۷	۰/۷۵	۰/۷۵	۰/۷۵	۰/۶۸	۰/۶۱	۰/۵۹	۰/۵۸	ضریب دسترسی

۵-۱. دسترسی زنان به آموزش عالی

با وجود اینکه به علت افزایش متقاضیان و داوطلبان زن نسبت به مرد برای ورود به آموزش عالی تا حد ۶۰٪ (که دلایل خاص خود را دارد) در سال ۱۳۸۱، فراوانی پذیرش زنان نسبت به کل پذیرش دانشگاهی در کل گروه های آزمایشی به ۶۲/۷٪ و در برخی رشته ها حتی از ۷۰٪ و ۸۰٪ نیز گذشته است اما:

✓ در سال ۱۳۸۱ فراوانی پذیرش زنان در گروه ریاضی و فنی هنوز کمتر از مردان و در حد ۴۶٪ بوده است.

✓ در سال ۱۳۸۰ فراوانی پذیرش زنان نسبت به کل پذیرش در تحصیلات تکمیلی در مجموع آموزش عالی دولتی و غیردولتی، ۳۴/۲٪ بوده است (این شاخص در کارشناسی ارشد ۲۸/۸٪ و در دکتری تخصصی ۲۵/۱٪ بود).

✓ در سال ۱۳۸۰ فراوانی دانشجویان زنان نسبت به کل دانشجویان در تحصیلات تکمیلی در مجموع آموزش عالی دولتی و غیردولتی ۳۴/۹٪ بوده است (این شاخص در کارشناسی ارشد ۲۹٪ و در دکتری تخصصی ۲۴/۲٪ بود).

✓ نرخ نام نویسی ناخالص زنان در آموزش عالی در مقایسه با کل نرخ نام نویسی ناخالص در آموزش عالی بر مبنای گزارش ۲۰۰۱ یونسکو قابل مقایسه برای ایران و کشورهای دیگر جهان است بدین قرار:

۲- رای پرهیز از تکرار ارجاع، مأخذهای اطلاعات اشاره شده در ادامه ی این فصل همگی عبارت است از: «فرستخواه، ۱۳۸۲»

بررسی چگونگی ارتقای کمی و کیفی دسترسی به آموزش عالی در ایران

نرخ نامنوسی	کانادا	ایالات متحده	فنلاند	نروژ	فرانسه	روسیه	اکراین	بلغارستان	اسرائیل	کشور نمونه متوسط ۳۱	ایران
زن و مرد	%۸۸	%۸۱	%۷۴	%۵۰	%۵۱	%۴۳	%۴۱	%۴۱	%۴۱	%۴۵/۵	%۱۸
زن	%۹۷/۸	%۹۱/۸	%۷۵/۷	%۶۶	%۵۷/۲	%۴۸/۵	%۴۶/۴	%۴۹/۹	%۴۱/۶	%۴۶/۹	%۱۲/۸

۶-۱. دسترسی اتباع سایر کشورها به آموزش عالی

کشور	هم دانشجویان دارای تابعیت دیگر کشورها
انگلستان	%۱۳/۱ کل دانشجویان تمام وقت %۲۲/۳ دانشجویان تحصیلات تکمیلی %۵۰/۶ دانشجویان تمام وقت تحصیلات تکمیلی
ایالات متحده	%۱۶ در دهه ی ۶۰ %۸ در دهه ۹۰ کمتر از %۰/۱
ایران	

۲. دسترسی با چه منابع، امکانات و زمینه هایی و به چه چیزهایی؟ (دروندادهای سیستم)

۱-۲. نسبت دانشجویان به کادر آموزشی

کانادا	ایالات متحده	هلند	آلمان	سوئد	ژاپن	روسیه	گرجستان	اکراین	بلغارستان	اسرائیل	چین	میانگین ۳۱ کشور نمونه
۱۰	۱۵/۵	۱۱	۷/۹	۸/۱	۹/۷	۱۱/۶	۶/۴	۱۲	۱۰	۵/۴ (دانشگاهها)	۱۴	۱۳/۷
ایران (تعداد دانشجویان ازای یک نفر هیأت علمی تمام وقت)												
کل آموزش عالی کشور ۴۳/۳												
بخش دولتی ۲۰/۴ (درنیمه حضوری ۳۸۵ نفر)												
بخش غیردولتی ۹۲/۴ (دربرخه از غیرانتفاعی ها ۱۳۱ نفر)												
دانشگاه آزاد اسلامی ۱۰۳/۱ (دربرخه مناطق تا ۱۲۵/۸ نفر)												
دراستانهای بوشهر، لرستان، اردبیل، آذربایجان غربی و مازندران بیش از ۴۰ نفر (بدون احتساب دانشگاه آزاد اسلامی)												
دراستانهای چهارمحال بختیاری، ایلام، مرکزی، کردستان بیش از ۵۰ نفر (بدون احتساب دانشگاه آزاد اسلامی)												
(درسال ۸۰-۸۱ نسبت به سال ۵۷، تعداد دانشجویان کشور ۹ برابر، ولی تعداد هیأت علمی حداکثر ۴ برابر شده است)												

۲-۲. سهم هزینه ی جاری آموزشی از GNP (۱) و سهم هزینه آموزش عالی از کل هزینه ی آموزشی (۲)
[درصد بر مبنای گزارش ۲۰۰۱ یونسکو]

متوسط ۳۱ کشور نمونه	ترکیه	اسرائیل	گرجستان	روسیه	استرالیا	انگلستان	سوئد	فرانسه	نروژ	هلند	فیلاد	ایالات متحده	کانادا	عنوان
	۴/۸	۳/۲	۶/۶	۴/۳	۳/۹	۵/۳	۴/۷	۵/۵	۷/۳	۵/۱	۷/۲	۴/۷	۶/۵	(۱)
	۲۰/۷	۳۴/۷	۱۸/۲	-	۲۹/۸	۲۳/۷	۲۵/۵	۱۷	۲۷/۹	۲۹/۹	۳۸/۸	۲۵/۲	-	(۲)
در ایران: ۱.	%۱۳/۶													
	۲.													
	%۳/۳													

– هزینه ی سرانه ی آموزش عالی در کشور نسبت به قبل از انقلاب که ایران با ۹۳۰ دلار در آسیا پس از ژاپن مقام ۱ ول را داشت و تقریباً معادل فرانسه بود (کوی، ۱۳۴۸) کاهش یافته است (فرستخواه، ۱۳۸۲)

۳۲. وّع منابع اعتباری

الف. وابستگی مزمّن و بیش از اندازه دانشگاهها و مؤسّسات آموزش عالی به بودجه دولتی مبتنی بر دریافتی‌های نفتی
ب. درآمدهای اختصاصی در حدود ۱۱٪ در مقایسه با ۲۰٪ تا ۶۰٪ در کشورهای موفّق (همان)

۴۲. مشارکت بخش غیر دولتی (خصوصی) در آموزش عالی

در ژاپن ۷۴٪ دانشجویان دانشگاهها و ۹۰٪ دانشجویان کالجها در بخش غیر دولتی تحصیلی می‌کنند و در کره ۹۲/۵٪ کالجها خصوصی هستند و ۷۵/۷٪ تا ۹۶/۵٪ دانشجویان بر حسب دوره‌های مختلف در مؤسّسات خصوصی اشتغال به تحصیل دارند و مشارکت بخش غیر دولتی در آموزش عالی به یک روند رو به ازدیاد و جهانی تبدیل شده است در ایران هر چند ظاهرأ حدود نیمی پذیرش دانشجو و جمعیت دانشجویی به بخش غیردولتی تعلّق دارد،
✓ دانشگاه آزاد اسلامی بیش از ۹۷٪ بخش غیر دولتی را به خود اختصاص داده است (همان)

۵۲. هتد وّع سازمانه‌ای آموزش عالی

کلّعیّت دانشجویی ایالات متّحده ۹ برابر ایران ولی تعداد مؤسّسات آموزش عالی آن، ۲۲ برابر ایران است.

✓ سهم دانشجویان آموزش عالی غیردانشگاهی نسبت به کل جمعیت دانشجوئی ایالات متحده ۷۹٪، ژاپن ۵۰٪، ایران ۱۹٪.

۲ تمدن و برنامه‌ها در گروه‌های عمده رشته تحصیلی

ایالات متحده: تعداد برنامه‌ها در گروه علوم اجتماعی و تاریخ: ۲۸۶۷ برنامه

تعداد برنامه‌ها در دوره‌های کسب و کار: ۲۷۹۷ برنامه

✓ تایلد: تعداد برنامه‌های دایر شده در سال ۱۹۹۹: ۳۷۶۸ برنامه

✓ انگلستان: سفار شگرایی

✓ مالزی: توسعه میان رشته‌ها

✓ ایران: تراکم حدود ۵۰ درصدی در علوم انسانی (و در نیمه حضور ۸۴٪ تا ۹۸٪) بدون

تذوق لازم

فقدان تذوق در سایر گروه‌ها به ویژه در علوم پایه، پزشکی و هنر

فقدان تعامل میان دانشگاه، بنگاه و دولت

وزن انتخابی پایین در انتخاب رشته‌های علوم پایه در کنکور سراسری

سهم علوم پایه در جمعیت دانشجوئی: دولتی ۱۲/۶٪ غیر دولتی ۸/۶٪ (پذیرش

به ترتیب ۱۱/۱٪ و ۹/۵٪)

۲ تمدن و برنامه‌ها به لحاظ اوقات فراگیری (بنگرید به ۳۱)

۲۸ کیف آموزش عالی غیر حضوری و نیمه حضوری و فراگیر

فراوانی دانشجویان نیمه حضوری نسبت به کل دانشجویان:

ایران	سریلانکا	الجزایر	هنگ کنگ	اندونزی	ترکیه	روسیه	تایلند	سوئد	چین
۱۲٪	۳۲/۳٪	۱۷/۳٪	۱۶/۶٪	۱۷/۹٪	۲۶/۳٪	۳۰٪	۳۷/۴٪	۲۰٪	۲۴/۴٪

✓ یادگیری از راه دور در محیط پیشرو جهانی وارد نسل سوم شده است؛ ولی در ایران هنوز

مقتل به نسل اول و دوم است و از حیث توسعه نرم‌افزاری با موانعی رو به روست.

✓ دوره‌های فراگیر: تنها ۱/۵٪ پذیرش نیمه حضوری و ۲/۴٪ دانشجویان نیمه حضوری

✓ انحصار آموزش از راه دور به دانشگاه پیام نور (به جز اقدامات محدود اخیر)

✓ عدم مشارکت بخش غیر دولتی (همچون مالزی و...) در یادگیری از راه دور

✓ شاخص‌های کیفی بسیار پایین در آموزش نیمه حضور کشور (بنگرید به نشانگرهای ۱۲

و...)

۹۲. دسترسی به آموزش عالی بین المللی

برخلاف روند رو به رشد بین المللی شدن آموزش عالی در جهان و افزایش تحرک و جابجایی‌ها در سال ۱۳۸۲ سهم دانشجویان ایرانی اعزامی به خارج حدود ۰/۱٪ کل دانشجویان بود.

۱۰۲. فضای کالبدی آموزش عالی

✓ در بخش دولتی سرانه فضای آموزشی: ۱۲٪ تا ۶۰٪ شاخص قابل قبول (بر حسب گروه‌ها)
 ✓ در بخش دولتی سرانه فضای غیر آموزشی و کمک آموزشی: ۷٪ تا ۶۷٪ شاخص قابل قبول (بر حسب گروه‌ها)

✓ در بخش غیر دولتی، مجموعه سرانه ۳۸٪ شاخص قابل قبول

✓ در برخی مناطق دانشگاه آزاد اسلامی برخی مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی تا حد

$\frac{1}{15}$ شاخص قابل قبول

۱۱۲. فراوانی دوره‌های علمی کاربردی و بودمانی

ایران	سهم علمی کاربردی در جمعیت دانشجویی: ۱۶٪ سهم کاردانی در پذیرش: ۳۰٪ در دانشجویان: ۲۰٪ (لیسانس‌گرایی مغرط) کم اهمیتیت شدن کارشناسی ناپیوسته
الات متحده آلمان انگلستان روسیه مالزی ...	سهم دوره‌های کاردانی: ۵۰٪ تا ۷۰٪ روند بودمانی شدن روند سفارشی‌گرایی در آموزش عالی با تأکید بر دوره‌های کوچک مهارتی

۱۲۲. فراوانی دوره‌های تحصیلات تکمیلی

ایران	دانشگاه آزاد اسلامی: ۴/۶٪ بقیه آموزش عالی کشور: ۸٪ تا ۱۰٪ کارشناسی ارشد: ۵/۳٪ پذیرش (زنان: ۲/۹٪) / ۴/۶٪ دانشجویان (زنان: ۲/۳٪) دکتری تخصصی: ۱/۲٪ پذیرش (زنان: ۰/۶٪) / ۱/۵٪ دانشجویان (زنان: ۰/۱۷٪)
الات متحده انگلستان تایلند ...	بیش از ۳۰٪

۳. دسترسی به چه صورت؟ (فرایندهای سیستم)

۳ نسبت مردی به مراتب بالاتر در هرم هیأت علمی

- ✓ درک ل آموزش عالی کشور ۵۶ به ۴۴
- ✓ در بخش غیر دولتی ۸۲ به ۱۸
- ✓ در آموزش عالی نیمه حضوری ۸۱/۶ به ۱۸/۴

۳.۲ سهم زنان در هیأت علمی

- ✓ سهم زنان درک ل هیأت علمی ۱۸/۲٪
- ✓ سهم زنان دوره میان ۲۳٪ استادیاران ۱۶/۲٪ دانشیاران ۸/۲٪ استادان ۵/۴٪

۳.۳ نسبت دانشجو به استاد یا دانشیار

- ✓ درک ل آموزش عالی کشور ۵۵۸/۶ نفر دانشجو به یک استاد یا دانشیار
- ✓ در بخش دولتی و غیر انتفاعی ها ۲۹۱ نفر دانشجو به یک استاد یا دانشیار
- ✓ در دانشگاه آزاد اسلامی ۳۶۸۳/۳ نفر دانشجو به یک استاد یا دانشیار

۳.۴ فراوانی مدد بین حؤالت تدریس

- ✓ در مجموع بخش دولتی و غیر دولتی از هر ۳ نفر کادر یک نفر
- ✓ در دانشگاه آزاد اسلامی از هر ۲ نفر کادر یک نفر
- ✓ محدودیت های هیأت علمی در قدرت خرید، منزلت اجتماعی و آزادی علمی)

۳.۵ کیفیت نظام سنجش

- ✓ فقدان نقش دانشگاه ها در سنجش آموزش کشور و تعیین ملاکها و معیارها برای آن
- ✓ برخلاف استانداردهای جهانی
- ✓ توجهی به خلاقیت، نوآوری، مهارت و استعداد های خاص در مقایسه با محفوظات در
- ✓ کنکور فعلی
- ✓ توجهی به سوابق تحصیلات مبه وسیله و فرایند یادگیری در آراهی ت یافتن
- ✓ مهارت های تست زنی)
- ✓ اهمی ت تلقی شدن نظام پیش دانشگاهی
- ✓ ضعف اطلاع رسانی به داوطلبان و خانواده ها (یکی از عوامل افت تحصیلی پس از ورود
- ✓ به دانشگاه)
- ✓ فقدان نظام یکپارچه ملتی در سنجش (کنکور جداگانه دانشگاه آزاد اسلامی)

- ✓ بروجتهی به آزمون سنجش استعداد و تمرکز عمده به آزمون پیشرفت تحصیلی (ضعف‌های آن از حیث روایی و پایایی)
- ۳ کیفیت نظام پذیرش
- ✓ فقدان استقلال دانشگاه‌ها در برنامه‌ریزی آموزش عالی از جمله پذیرش دانشجو بر حسب مقتضیات ویژه
- ✓ فقدان تنوع لازم در شیوه‌های پذیرش
- ✓ مقررات محدودکننده در پذیرش دانشجو (در تحصیل همزمان، تغییر رشته و...)
- ۳ کیفیت دسترسی استعدادهای درخشان
- ✓ بنابر یک تحقیق (فرستخواه مقصود، ۱۳۷۸) ۷۰٪ تا ۹۰٪ از دانشجویان نخبه درباره موارد زیر ناراضی یا نه چندان راضی بوده‌اند:
- آیین‌نامه‌ها و قوانین
- معیارها
- عملکرد دانشگاهی
- وضعیت هیأت علمی
- روش‌های تدریس
- منابع و ملزومات تحصیلی
۴. دسترسی با چه نتایجی (برونداها و پیامدهای سیستم)
- ۴.۱ میزان بیکاری دانش‌آموختگان و نیروی کامتخصّص
برآوردهای رسمی برای سال ۱۳۸۳: ۱۶/۷٪ تا ۲۰/۸٪
۶. نتیجه‌گیری (آینده‌اندیشی درباره ارتقای کمی و کیفی دسترسی به‌ادگیری در سطح عالی)
- آزمون فاصله میان وضع موجود دسترسی به آموزش عالی در کشور در ابعاد کمی و کیفی با مبانی نظری و معیارها (استانداردهای جهانی، حاکی از ضرورت ارتقای کمی و کیفی دسترسی به آموزش عالی در جامعه ماست. آینده‌اندیشی در این خصوص عناوینی به قرار زیر را شامل می‌شود.

۱۶. چشم‌انداز

برای سال آخر برنامه چهارم، دستیابی به ۳۰٪ نرخ نام‌نویسی ناخالص در آموزش عالی، به عنوان هدف تعیین شده است (هر سال ۳٪ افزایش). ب‌توجه به این که فشار جمعیتی ۱۵ تا ۱۹ ساله عمدتاً در طول همین برنامه چهارم خود را نشان می‌دهد، اصل تداوم در برنامه‌ریزی، ایجاب می‌کند در برنامه پنجم نیز که فشار جمعیتی یادشده رو به کاهش خواهد گذاشت، فعالیت‌ها همچنان ادامه پیدا بکند. در این صورت چنانچه هر سال به طور مبه وسیله ۳٪ دیگر به شاخص (طبق روال برنامه چهارم) افزوده شود، میزان نام‌نویسی آموزش عالی ایران در سال ۱۳۹۳ (دهه دوم قرن ۲۱) به ۴۵٪؛ یعنی، مرز مبه وسیله شاخص (در دهه آخر قرن ۲۰) مربوط به ۳۱ کشور مطالعه شده مطابق تحقیق کنونی خواهد رسید و چنانچه ب‌توجه به کاهش فشار جمعیتی، هر سال به طور مبه وسیله ۵٪ افزایش یابد به ۵۵٪؛ یعنی، میانگین شاخص در کشورهای توسعه‌یافته در دهه آخر قرن ۲۰ خواهد رسید:

□ میزان نام‌نویسی ناخالص در آموزش عالی

برنامه چهارم: سال ۱۳۸۸ (۳۰٪)

برنامه پنجم؛ سال ۱۳۹۳ (دهه دوم قرن ۲۱):

✓ سناریوی نیل به مرز مبه وسیله شاخص دهه آخر قرن ۲۰ در نمونه مطالعه شده (۴۵٪)

✓ سناریوی رسیدن به میانگین شاخص دهه آخر قرن ۲۰ در کشورهای توسعه‌یافته (۵۵٪)

این هدف بلند پدازانه کمی، چند معنای مهم دارد:

الف. مستلزم چالش‌ها و ریاضت سختی برای تأمین منابع ظرفیت‌سازی جدید است.

ب. مستلزم هدف‌گزینی‌ها فوالت‌های بلند کیفی است تا رشد کمی به نتایج معکوس

منجر نشود.

۲۶. جهت‌گیریها و خط‌مشیهای توسعه ظرفیت

۱۲۶. تفکیک پذیرش دانشگاهی از کنکور سراسری (سنجش آموزش کشور) و استقلال

دانشگاه‌ها در پذیرش دانشجو. (دانشگاه‌ها نتایج کنکور، صرفاً به عنوان اطلاعات سنجش

استعداد، استفاده کنند)

۲۶.۲. نوع بخشیدن به پذیرش دانشگاهی

الف. علاوه بر دانشگاه پیام نور، همه دانشگاه‌ها نیز بتوانند به صورت غیر حضوری و نیمه

حضوری دانشجو بپذیرند.

- ب. دانشگاهها با تشکیل اتحادیه‌هایی در سطح منطقی و ملی، محیط‌های الکترونیکی و شبکه‌ای خود را برای پذیرش غیرسنجی دانشجویان توسعه دهند.
- ج. دوره‌های فراگیر ضمن استانداردسازی، توسعه داده شوند. داوطلبان با شرایط قابل انعطاف‌تری وارد دانشگاه بشوند. دوره‌های دانشگاهی به روی داوطلبان گشوده شود؛ ولی فرایند و استانداردهای ارزشیابی درون دانشگاه، جدی گرفته شود.
- د. با استفاده بهینه و مؤثر از فضاها و تجهیزات دانشگاهی و خارج از اوقات عادی اداری، عصرها، شبها و ایام تعطیلات، دوره‌های نوبت دوم و شبانه در دانشگاهها توسعه پیدا بکند.
- ه - یادگیری به صورت پاره‌وقت در دانشگاهها توسعه داده شود. داوطلبان بر حسب شرایط خود بتوانند دوره‌های تحصیلی را در مدت بسیار طولانی و تدریجاً تحصیل بکنند.
- و. برای برنامه‌های تک‌درس و کوتاه‌مدت به ویژه در دوره‌های مهارتی عمومی، پایه تخصصی (در سطوح مختلف) دانشجوی پذیرفته شود (بنگرید به د و ه).
- ز. دوره‌های آزاد منتهی به گواهینامه خاص (به جای مدرک معمول دانشگاهی) در دانشگاهها متناسب با نیازهای جامعه و جهان کار توسعه داده شود و مورد حمایت مؤثر قرار بگیرد.
- ج. دوره‌های سفارشی بسیار اختصاصی و حتی منحصر به فرد برای متقاضیان و مشتریانی در قالب اشخاص حقیقی و حقوقی (خانوارها، بنگاه‌ها و...) به صورت عقد قرارداد دوجانبه در دانشگاهها توسعه داده شود.
- ط. کنسرسیوم‌های دانشگاهی ایجاد شود تا داوطلبان بتوانند بخش‌های مختلف یک دوره تحصیلی را در دانشگاه‌های مختلف کشور تحصیل بکنند.
- ی. پروژه‌های مشترک دانشگاه‌های کشور با دانشگاه‌های معتبر، امکان این را فراهم کند که داوطلبانی بتوانند بخشی از یک دوره تحصیلی را در داخل و ادامه آن را در خارج تحصیل بکنند.
- ک. کارکنان بنگاه‌ها از طریق قراردادهای بنگاه و دانشگاه، یادگیری ضمن خدمت در سطح عالی داشته باشند.
- ل. از توسعه، انعطاف‌پذیری و تناسب دوره‌های علمی کاربردی، پودمانی و آموزش عالی معطوف به مهارت‌های پایه و مورد تقاضای بازار کار، حمایت بشود

۲۶.۳ نوع بخشیدن به منابع مالی و اعتباری آموزش عالی

الف. بخش غیر دولتی آموزش عالی از انحصار الگوی غیر انتفاعی رهایی پیدا بکند و آموزش ملی غیر دولتی خصوصی و انتفاعی قانوناً به سیمیت شناخته بشود و مورد حمایت قرار بگیرد.

ب. با آزادسازی و ایجاد امنیت و اعتماد، مقررات زدایی و رفع موانع دیوانسالاری، سازهسازی فرایندها، اصلاح قوانین و مقررات، از بخش غیر دولتی مستقل حمایت نهادینه و مؤثری صورت بگیرد (تسهیلات بانکی و غیر آن، مطلقیتها، یارانهها و اعتبارات). بدین ترتیب انحصار دو بخش دولتی و شبهدولتی (دانشگاه آزاد اسلامی) شکسته می شود.

ج. تفسیر واقع بینانه اصلاحاتی در قوانین کشور (قانون اساسی و سایر قوانین) به همراه توجهات موجبه فرهنگی لازم است تا افراد و خانوارها نیز با توجه به منافع خصوصی آموزش عالی، حاضر بشوند در قبال تقاضای آموزش عالی در تأمین بخشی از هزینههای آن به صورت پرداخت شهریه مشارکت کنند. در این راستا لازم است با روشهایی همچون صندوقهای رفاه، کار دانشجویی و مشارکت آنها در خدمات دانشگاه، حمایتهای لازم نیز به عمل بیاید.

د. حمایت از دانشگاهها در جهت کارآفرینی و استفاده از روشهای متناسب درآمدزایی همچون تشکیل شرکتهای مشتق با مشارکت هیأت علمی با هدف ارائه خدمات تخصصی و نیز تجاریسازی علم و فناوری.

۲۶.۴ توسعه زیرساختهای لازم برای توسعه و انعطاف فرایند یاددهی یادگیری (مانند از

راه دور، لکترونیکی و ...)

الف. توسعه زیرساختهای مخابراتی کشور با بسترسازی و حمایت مؤثر فوالت بخش خصوصی مؤد.

ب. فراهم آوردن امکان و حمایهای لازم برای اتصال همه دانشگاهها به شبکه علمی کشور و تجهیز سختافزاری به منظور افزایش سرانه پهنای ماند.

ج. زمینهای و حمایت مؤثر برای ایجاد اتحادیههای دانشگاهی در سطح منطقهای ملی

د. زمینهای و حمایت مؤثر از همکاریهای بین المللی دانشگاهها و پروژههای مشترک، با دانشگاهها و مراکزی معتبر خارجی برای استفاده ایرانیان از ظرفیتهای دسترسی به آموزش عالی.

ه. توسعه محیط حقوقی مانند خطمشها و قوانین کاربری اینترنت، حقمالکیته و امنیته اطلاعاتی و ...

و. حمایت از توسعه محیط‌های یادگیری مجازی با ایجاد برنامه‌های درسی، کتاب‌خانه‌ها و منابع اطلاعاتی الکترونیکی، چندرسان‌های و شبکه‌ای.

۳۶. جهت‌گیریها و خط‌مشی‌های توسعه کیفی

برای کاهش فاصله دهتناک با وضع مطلوب کیفی دسترسی به آموزش عالی که به مواردی از آن در فصل ۵ (بندهای ۱۲، ۱۰، ۱۳، ۳، ۴، ۳، ۵، ۳، ۶، ۳، ۴، ۱۷) اشاره شد، خط‌مشی‌هایی از جمله بدین قرار ضرورت دارد:

۱۳۶. توسعه کیفی نظام سنجش آموزش کشور

الف. حمایت از توسعه نهادینه تعامل همگرایی میان نظام آموزش متوسطه و مدرسه با نظام آموزش عالی و دانشگاه به منظور ارتقای کمی و کیفی دسترسی به یادگیری از مدرسه تا دانشگاه. با استانداردسازی امتحان نهایی نظام متوسطه و پیش‌دانشگاهی (به عنوان سنجش پیشرفت تحصیلی) با رویکرد علمی و برخوردار از روایی و اعتبار و قابل مقایسه در سطح ملی از طریق مشارکت انجمن‌های علمی تخصصی در آموزش و پرورش و آموزش عالی. ج. سنجش آموزش کشور (به عنوان سنجش استعداد تحصیلی) باید بتواند استعداد تفکر، عمق‌نگری، مسئله‌خلاقیت، فعالیت‌آزمایشگاهی و مهارتی را نیز مورد سنجش قرار بدهد. د. یکپارچه‌سازی نظام سنجش کشور و رفع تعارضات موجود در کنکور سراسری و کنکور دانشگاه آزاد اسلامی (در عوض، سنجش آموزش کشور می‌تواند به جای سالی یک بار، سالی دو یا حتی چند بار برگزار شود).

ه. نقش و مشارکت دانشگاهیان در محتوا و چگونگی سنجش آموزش کشور. و. مشارکت انجمن‌های علمی تخصصی در ارتقای نظام سنجش آموزش کشور.

۳۶ توسعه کیفی نظام پذیرش دانشگاهی

الف. توسعه قوانین و زمینهای لازم برای اطلاع خانواده‌ها و داوطلبان آموزش عالی از شرایط و محتویات دوره‌ها و رشته‌های دانشگاهی به منظور انتخاب آگاهانه آنها (به ویژه با استفاده از سایت‌ها و شبکه‌های اطلاعاتی شفّاف و برخط). با اصلاح مقررات آموزش عالی و ایجاد تسهیلات لازم برای تحصیل همزمان در دو رشته، تغییر رشته و...

ج. توسعه معیارهای پذیرش دانشگاهی به گونه‌ای که در آن علاوه بر نتایج کنکور به پرونده تحصیلی متوسطه (یادوره‌های قبلی آموزشی)؛ علاوه بر ابعاد شناختی به ابعاد مهارتی،

علاوه بر هوش به خلاقیت، علاوه بر پیشرفت تحصیلی به فعالیت‌های اجتماعی فوق برنامه نیز توجه بشود.

د. پذیرش دانشگاهی به صورت فرایندی چند مرحله‌ای و دارای انعطاف لازم باشد تا داوطلبان طی مراحل مانند گذراندن دروس عمومی، پایه و مشترک در یک حوزه بزرگ‌تر از گروه عمده تحصیلی، پس از آشنایی کافی و آزمون تجربیات یادگیری و استعدادهای خود با فرصت و مهلت بیشتری به انتخاب نهایی رشته و گرایش مورد علاقه خود دست بزنند.

۳۶ حمایت از توسعه منابع انسانی و کیفیت هیأت علمی در دانشگاه‌ها

الف. افزایش سهم هزینه جاری آموزشی از GNP و سهم هزینه آموزش عالی از کل هزینه آموزشی.

ب. حمایت از توسعه هرچه نهادینه‌تر استقلال دانشگاه‌ها در برنامه‌ریزی و از جمله عضوگیری هیأت علمی.

ج. تقویت و توسعه اختیارات هیأت‌های امنای برای افزایش درآمد دانشگاهی و رفاه و منزلت اجتماعی هیأت علمی.

د. حمایت از نهادینه شدن آزادی علمی در دانشگاه‌ها بر بستر امنیت و منزلت کنشگران تفکر و علم در کل جامعه.

ه. حمایت‌ها و تسهیلات قانونی لازم برای استفاده دانشگاه‌ها از استادان خارجی.

و. حمایت‌ها و تسهیلات لازم برای رفت و آمد آزاد متخصصان ایرانی خارج از کشور به منظور تدریس و پژوهش و مشاوره.

ز. اختصاص بخش مهمی از اعتبارات و به ویژه درآمدهای دانشگاهی به دانش‌افزایی هیأت علمی و کارشناسان، متناسب با تحولات علم و فناوری به ویژه در زمینه مهارت‌های نوین فناوری اطلاعات، الگوهای پیشرفته و تعاملی یاددهی یادگیری (و اصلاح آیین‌نامه‌های ترفیع در این خصوص).

ح. حمایت مؤثر از زمینه‌های قانونی و نهادین مشارکت هیأت علمی در مدیریت دانشگاه مانند انتخاب رؤسا و مدیران و سایر ابعاد تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی.

ط. حمایت از انجمن‌های علمی تخصصی هیأت علمی در سطح بالا (مثل انجمن‌های ملی استادان و دانشگاهیان برای زمینه‌سازی استقرار درونی استانداردها و ایجاد رقابت کیفی).

۴۳۶. حمایت از توسعه فرایندهای اطمینان از کیفیت و اعتبارسنجی در دانشگاه‌های دولتی و غیر دولتی و آموزش عالی کشور

- الف. تبدیل نظارت ناکارآمد دولتی بر دانشگاه‌ها به حمایت از پاگیری و توسعه ارزشیابی درونی در دانشگاه‌ها با مشارکت دانشجویان، هیأت علمی، هیأت امناء و سایر ذی نفعان
- ب. ایجاد تسهیلات لازم و حمایت از شکل‌گیری و توسعه هیأت‌های تخصصی ارزشیابی بیرونی در سطح ملی با مشارکت انجمن‌های تخصصی و استادان دانشگاهی و نیز نمایندگان بنگاه‌های ذی ربط و متقاضیان نیروی انسانی متخصص و سایر ذی نفعان برای تعریف و توسعه استانداردها و اعتبارسنجی دانشگاه‌ها بر مبنای آن.
- ج. حمایت از تشکیل و توسعه انجمن‌های تخصصی و درگیر شدن آن‌ها در ارزشیابی برنامه‌های درسی دانشگاهی و تهیه استانداردهای آن در هریک از رشته‌ها و گرایش‌ها برای تناسب آن‌ها با نیازهای جامعه و تحولات علم و فناوری و روزآمدسازی آن‌ها.
- د. تبدیل رتبه‌بندی‌های دیوان‌سالاری دولتی به رتبه‌بندی دانشگاه‌ها از طریق نظام صحیح اعتبارسنجی که در بندهای قبلی به آن اشاره شد.
۵. ۳۶. حمایت از رقابتی شدن آموزش عالی
- الف. حمایت از تحقق کامل استقلال دانشگاهی (ر. ک به بندهای ۱۲۶)
- ب. حمایت از فرایند آزادسازی و توسعه کمی و کیفی مشارکت مردم و بخش غیر دولتی مستقل و کارآفرین در آموزش عالی (ر. ک به بند ۳۲۶)
- ج. حمایت از پروژه‌های مشترک دانشگاه‌های کشور با دانشگاه‌های معتبر خارجی.
- د. زمینه‌سازی و حمایت از ایجاد شعبات دانشگاه‌های معتبر خارجی در کشور
۶. ۳۶. حمایت از ایجاد دفتر دانشگاه پژوهی (IR)
- این دفتر در حوزه ریاست یا معاونت آموزشی دانشجویی برای تولید و پشتیبانی نظام اطلاعات و پیمایش‌های لازم برای نگرش‌سنجی دانشجویان، بررسی افت تحصیلی، نظرسنجی از دانش‌آموختگان و مانند آن به وجود می‌آید.
۷. ۳۶. نهادینه کردن و توسعه تعامل سه‌جانبه دانشگاه، بنگاه و دولت.
۸. ۳۶. حمایت از توسعه برنامه‌های درسی پایه و مشترک مربوط به سواد اطلاعاتی و مهارت‌های کاربری شبکه فناوری اطلاعات برای دانش‌آموزان و دانشجویان.
۹. ۳۶. حمایت از تولید نظام ملی تولید اطلاعات آموزش عالی در کشور با ایجاد پایگاه‌های داده‌ای کارآمد و روزآمد.
۱۰. ۳۶. حمایت از توسعه نظام ارزشیابی مداوم در آموزش عالی با مشارکت انجمن‌های صنفی دانشجویان و هیأت علمی و دانش‌آموختگان:
- الف. ارزشیابی دانشجویان اعم‌الکرد مدیران دانشگاه و هیأت علمی.

- ب. ارزشیابی دانش‌آموختگان از عملکرد دانشگاه.
- ج. ارزشیابی هیأت علمی/عملکرد مدیریّت دانشگاهی.
- د. سنجش اثربخشی آموزش‌های دانشگاهی با تعامل سه‌جانبه دولت، دانشگاه و بنگاه و از طریق مشارکت نهادهای نمایندگان آن‌ها.

منابع

- ۱ انجل ویلیام دیوید (۱۹۹۵) قانون بین‌المللی حقوق جوانان، همراه با اسناد و گزارش‌های مرجع، ترجمه علی‌اکبر تاج‌مزیانی و همکاران، تهران: سازمان مللّی جوانان.
- ۲ جانسون، گلن (۱۳۷۸) علامه‌تّه جهانی حقوق بشر و تاریخچه آن، ترجمه محمدجعفر پوینده، پیش‌گفتار از فدریکو مایور، تهران: نشر نی.
- ۳ جیمزای. (۱۳۸۱) درتقسیم مسؤولیت آموزش و پرورش بین بخش خصوصی و عمومی در دانش‌نامه اقتصاد آموزش و پرورش جلد ۱، ول، ترجمه عبدالحسین نفیسی، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- ۴ راجرز، دانیل سی، راجلین هرش اس (۱۳۷۰)، اقتصاد آموزش و پرورش، ابوالقاسم حسینیون، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۵ عملکرد حوزه‌های کلان (۱۳۸۲)، تهران: سازمان مدیریّت و برنامه‌ریزی کشور.
- ۶ طایبی، حسن (۱۳۸۰) برآورد و تحلیل تقاضای نیروی انسانی متخصص در ۸۸ ۱۳۷۷، طرح نیازسنجی نیروی انسانی متخصص، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی سازمان مدیریّت و برنامه‌ریزی.
- ۷ طایبی‌حسن و وحیدی پریدخت، غفرانی محمد-دباقر (۱۳۸۱)، گزارش نهایی طرح نیازسنجی نیروی انسانی متخصص، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی سازمان مدیریّت و برنامه‌ریزی.
- ۸ عمادزاده، مصطفی (۱۳۸۱)، علائم راهنما در بازار کار، رساله دوره دکتری آموزش عالی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ۹ فراستخواه، مقصود (۱۳۷۸) بررسی نحوه شناسایی و پرورش استعدادهای درخشان، تهران: گروه مطالعات تطبیقی و نوآوری، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- ۱۰ فراستخواه، مقصود (۱۳۸۲) بررسی افزایش دسترسی به آموزش عالی، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- ۱۱ فرید من، میلتن ووز (۱۳۶۸) آزادی انتخاب، حسین حکیم‌زاده چه‌رمی، تهران: پاریسی.
- ۱۲ قارون، معصومه (۱۳۸۰)، بررسی راه‌های تأمین منابع مالی دانشگاه‌ها، تهران: گروه اقتصاد آموزش عالی و بررسی‌های نیروی انسانی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- ۱۳ کوی، لوتان (۱۳۴۸)، سیاست علمی و مسائل آموزش عالی ایران، ترجمه محمود فرمان، تهران: مرکز اسناد و مدارک علمی ایران.
- ۱۴ آمار آموزش عالی ایران (۱۳۸۱)، گروه پژوهش‌های آماری و انفورماتیک، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- ۱۵ مک، ماهون و. و. (۱۳۸۰) منافع مصرفی آموزش و پرورش، ترجمه عبدالحسین نفیسی در دانش‌نامه اقتصاد آموزش و پرورش (جلد اول)، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.

۱۶ هیکس، ان.ال. (۱۳۸۰) آموزش و درآمد. ترجمه پدیدخت وحیدی و عبدالحسین نفیسی، دانش‌نامه اقتصاد آموزش و پرورش جلد ۱ و ۲، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.

منابع لاتین

- 1- Acklry, E. (1998) Reverse Discrimination. Proceedings of the Philosophy of the Philosophy of Education and Society, Proceedings. New York.
- 2- Blaug, M (1985) Where are we now in the economics of education, Economics of Education Review Vol. 4, no, 1 Great Britain.
- 3- Brown, Ken (2002) The Right to Learning, Alternatives for a Learning Society, Routledge Falmer, New York.
- 4- Creedy John (1994) Financing Higher Education: Public choice and social Welfare, Institute of fiscal studies.
- 5- Hayton, Annette & Paczuska, Anna (2002) Access, Participation & Higher Education, Policy.
- 6- Laroche, M. merette, m. & Ruggeri G.C. (1999) On the Concept and Dimensions of Human Capital, in Knowledge Based Economy Context, Candidan Public Policy, University of Brunswick.
- 7- Mei, TanAi (2002) Malaysian Private Higher Education. Globalisation, Privatisation, Transformation and Marketplaces.
- 8- OECD (1996) Measuring what people know: Human Capital Accounting for the Knowledge and Practice. Kogan page Limited, London.
- 9- Schuetze, Han, G. and Slowey Maria (2000) H. E. and Life long learners. International Perspectives on change, London & New York Routledge/Falmer.
- 10- Scott P (1995) The Meanings of Mass Higher Education, SRHe /open university press, Bukingham.
- 11- UNESCO (2001) Human development report. Oxford

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی